

کتاب سوم

من دیگرما

...

فرزنده‌های در قفس
و گویای نارس

نقش آزادی در تربیت فرزند

فرزند ما از ما جدا نیست؛ او خود ما است
اما در اندازه‌ای کوچک‌تر

...



سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: پرندۀ‌های در قفس و کودکی‌های نارس: نقش آزادی در تربیت فرزند/ نویسنده
 محسن عباسی‌ولدی؛ تصویرگر ایمان خاکسار؛ ویراستار سید محمد دلال موسوی.
 مشخصات نشر: قم: آیین فطرت - مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص.: مصور: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 فروست: من دیگر ما. فرزند ما از ما جدا نیست، او خود ماست اما در اندازه‌ای کوچکتر: کتاب سوم.
 شابک: دوره: ۰۰-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸ ج. ۳: ۱-۰۳-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیا یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
 عنوان دیگر: نقش آزادی در تربیت فرزند.
 موضوع: تربیت خانوادگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 موضوع: *Islam -- Religious aspects -- Domestic education
 موضوع: والدین و کودک -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
 موضوع: *Islam -- Religious aspects -- Parent and child
 شناسهٔ افزوده: خاکسار، ایمان، تصویرگر
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ب۴ ۲۵۳/۴ BP رده بندی دیویی: ۶۴۴/ ۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۲۵۷۳

• **محسن دیگرما (کتاب سوم)** •
 نویسنده: محسن عباسی‌ولدی
 ناشر: آیین فطرت
 مدیر هنری و طراح جلد: سید محمد دلال موسوی زاده
 تصویرگر: ایمان خاکسار، سولماز جلالی
 گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید صفارزاد
 ویراستار: سید محمد دلال موسوی
 • www.ketabefetrat.com •

با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی یا
 ارسال نام کتاب به سامانهٔ پیامکی،
 کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.
 ■ www.ketabefetrat.com ■
 سامانهٔ پیامکی: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰

همانگی پخش: ۰۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱
 لیستوگرافی، چاپ و صحافی: عمران
 نوبت چاپ: بیستم / تابستان ۱۴۰۳
 شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۱۸۰۰۰ تومان

کلیهٔ حقوق محفوظ است.



کودک بودند با ظرف کوچک ذهن دنیایی ما قابل درک نیست.
تو من را بیخ را جا گذاشتی و به کمال رسیدی.

چرا من را غافل می‌دانی؟
نکند کیست که مرا از نام تو گرفته‌اند
و به او گفته‌اند: ای الله!

یک لحظه نفس کشیدن حسین علیه السلام در این عالم

یک روزگار، بهانه است برای نفس کشیدن حسین علیه السلام

پس تا قیامت، مدیون تو هستیم

که دست، سپربلای حسین علیه السلام شد

تا چند لحظه بیشتر نفس بکشد حسین علیه السلام در این عالم.

یادگار محبتی! تمام سپرهای فولادین

از حسرت، آه کشیدند و از خجالت، آب شدند،

وقتی تو سپر عمو شدی.

کرامت پدرت را در کربلا، چه خوب به نمایش گذاشتی،

وقتی جانت را پیشکشی عمو کردی.

سینه حسین علیه السلام قلّه کل هستی است

و چه زیبا فتح کردی این قلّه را

وقتی نفس آخرینت را روی سینه عمو کشیدی.

مرد یازده ساله کربلا، عبدالله بن حسن علیه السلام

تقدیم به

فهرست من‌دیگرما/کتاب‌سوم

۱۳ • مقّمه

بخش اوّل

پرنده‌ام مرا بیا کن از خانه

۳۱ • خط قرمزهای آزادی

۳۳ • اوّل: کار خطرناک

۳۳ • دوم: کار زشت

بخش دوم

پرنده در خال آسمان زیباست

۳۷ • ۱. ایجاد رابطه عاطفی میان کودک و والدین

۳۸ • ۲. تخلیه انرژی و رسیدن به آرامش

۳۸ • الف) آرامش مقطعی

۳۹ • ب) آرامش دائمی

۳۹ • ۳. دستور پذیری

۴۲ • ۴. پاسخ دادن به حس کنجکاوی کودک

۴۵ • ۵. کمک به استقلال کودک

۴۵ • ۶. کمک به بزرگ شدن کودک

بخش سوم

رفتارشناسی پرنده‌های قفسی

۴۹ • ۱. شرارت

- ۵۲ • ۲. لجاجت
- ۵۶ • ۳. افسردگی
- ۵۹ • ۴. ترس
- ۶۲ • ۵. از بین رفتن برخی از علاقه های مثبت
- ۶۶ • ۶. مخفی کاری
- ۶۹ • ۷. از بین رفتن اقتدار والدین

بخش چهارم

چرا پرنده ها را در قفس دوست داریم؟

- ۷۳ • ۱. نا آگاهی
- ۸۱ • ۲. بی حوصلگی
- ۸۲ • چه کنیم که حوصله داشته باشیم؟
- ۸۲ • الف) به کار بردن مهارت های مبارزه با خشم
- ۸۲ • ب) توجه به کودکی کودک
- ۸۴ • ج) توجه به آثار آزادی و ممانعت از آن
- ۸۵ • د) تقویت رابطه محبت آمیز
- ۸۵ • ۳. به هم ریختن خانه
- ۸۹ • ۴. کم بودن زمان مادر
- ۹۱ • الف) چند پرسش درباره مادر
- ۹۲ • ب) وظیفه پدران
- ۹۶ • یک. وقت گذاشتن در هنگام حضور
- ۹۷ • دو. کم کردن از توقع
- ۹۸ • سه. کمک های روحی
- ۱۰۲ • ۵. لوس شدن و سوء استفاده کودک از آزادی
- ۱۰۲ • الف) معنای لوس شدن
- ۱۰۳ • ب) حدود سوء استفاده
- ۱۰۴ • ۶. عادت کودک به آزادی پس از هفت سال
- ۱۰۶ • ۷. تمایل کودک به آزادی، حتی در مهمانی ها
- ۱۰۸ • ۸. اعتراض کردن بچه های بزرگ تر
- ۱۰۹ • الف) طبیعی بودن دعوا در میان بچه ها
- ۱۱۰ • ب) تأثیر تجربه آزادی بر میزان این تنش ها
- ۱۱۰ • ج) بزرگ دیدن بچه های بزرگ تر
- ۱۱۱ • د) تقویت فرهنگ گفتگو
- ۱۱۱ • ۵. پرهیز از تبعیض

- ۱۱۳ ز) مدیریت صحیح تنظیم خانواده
- ۱۱۴ ۹. حرف مردم و طرد شدن از سوی فامیل
- ۱۱۴ الف) کدام مردم؟
- ۱۱۵ ب) گفتگو درباره ضرورت آزادی
- ۱۱۶ ۱۰. شرایط خاص زندگی در دنیای امروز
- ۱۱۸ ۱۱. مخالفت یکی از والدین
- ۱۱۸ الف) جلوگیری از تنش به جهت اختلاف در سیاست
- ۱۱۹ ب) تلاش برای همسو کردن سیاست‌های تربیتی
- ۱۱۹ ج) ایثار و فداکاری
- ۱۱۹ د) یادگیری تربیت قبل از ازدواج
- ۱۲۲ ۱۲. آموزش نظم
- ۱۲۳ الف) معنای دقیق نظم
- ۱۲۴ ب) تفاوت میان نظم کودکان و نظم بزرگ‌ترها
- ۱۲۵ ج) آموزش نظم با گزاره‌های تصویری
- ۱۲۵ د) نظم و انضباط مدرن
- ۱۲۸ ۱۳. اسراف و تبذیر
- ۱۲۸ الف) معنای دقیق اسراف و تبذیر
- ۱۲۸ ب) تفاوت مصداق اسراف و تبذیر کودکان و بزرگ‌سال
- ۱۲۹ ج) آموزش مراقبت از وسایل شخصی که می‌شود؟
- ۱۳۰ ۱۴. مریض شدن
- ۱۳۰ الف) حساسیت افراطی، ممنوع
- ۱۳۱ ب) خلأ قیمت به جای محدودیت
- ۱۳۱ ج) زیاده‌روی در بهداشت، ممنوع
- ۱۳۲ یک نکته مهم در پاسخ به همه این دلایل

بخش پنجم

چگونه میله‌های قفس را بشکنیم؟

- ۱۳۷ راهکارهای کلی
- ۱۳۷ ۱. دقت در انتخاب وسایل
- ۱۳۹ ۲. ایجاد فضای آزاد در محیط بیرون از خانه
- ۱۳۹ ۳. حساسیت در انتخاب محل زندگی
- ۱۴۰ ۴. مدیریت در چیدن وسایل
- ۱۴۰ ۵. مشارکت و هدایت
- ۱۴۱ نمونه‌هایی از هنر آزادی
- ۱۴۱ ۱. بازی با مهر

- ۱۴۱ الف) نماز خواندن با دو مهر
- ۱۴۲ ب) استفاده از مهر سنگی
- ۱۴۲ ج) تهیهٔ جانماز و مهر برای کودک
- ۱۴۲ ۲. آب بازی
- ۱۴۳ الف) استفاده از سفره‌های پلاستیکی طرح‌دار
- ۱۴۳ ب) توجه به مکان بازی
- ۱۴۴ ج) آب بازی در حمام
- ۱۴۷ د) توجه به زمان آب بازی
- ۱۴۸ ه) مدیریت تمایل کودک به آب بازی
- ۱۴۸ و) استفاده نکردن از وسایل سرمایشی در هنگام آب بازی و بعد از آن
- ۱۴۸ ۳. بازی با وسایل در کمد یا کابینت
- ۱۴۹ الف) چیدنش کمد یا کابینت
- ۱۴۹ ب) محدود کردن دسترسی
- ۱۵۰ ج) مدیریت نگاه
- ۱۵۰ ۴. خط خطی کردن
- ۱۵۲ الف) دقت در ساخت خانه
- ۱۵۲ ب) استفاده از کاغذهای ضخیم یا مقوای نازک
- ۱۵۳ د) استفاده از کاغذها یا نشریات بی مصرف
- ۱۵۳ د) بازی با نخ و نخ‌آجران
- ۱۵۴ ۵. بازی با غذا
- ۱۵۴ الف) استفاده از زیرانداز خیس
- ۱۵۵ ب) تهیهٔ لباس مخصوص غذا خوردن
- ۱۵۶ ج) بهداشت غذا خوردن
- ۱۵۶ د) توجه به زمان لازم برای غذا خوردن کودکان
- ۱۵۷ ه) بازی کردن و غذا دادن
- ۱۵۷ ۶. بازی با کتاب
- ۱۵۸ الف) چیدنش کتاب‌ها
- ۱۵۸ ب) اختصاص یک قفسهٔ جدا برای کودک
- ۱۵۹ ج) عدم ممانعت از پاره کردن کتاب
- ۱۵۹ د) بازی با قرآن یا کتاب‌های مقدس
- ۱۶۱ یک. توجه شدید به گزاره‌های تصویری
- ۱۶۲ دو. اختصاص دادن مکان ویژه به این کتاب‌ها
- ۱۶۲ سه. در دسترس قرار دادن قرآن با نظارت
- ۱۶۲ چهار. پرهیز از برخورد های خشن
- ۱۶۳ پنج. استفاده از قانون تبدیل
- ۱۶۴ شش. جدیت

- ۱۶۶ ۷. آزادی در مهمانی‌ها
- ۱۶۷ الف) مدیریت مهمانی رفتن
- ۱۶۷ یک. تعداد مهمانی‌ها
- ۱۶۷ دو. مدت مهمانی‌ها
- ۱۶۸ سه. میزبان
- ۱۶۸ ب) آگاهی بخشی
- ۱۶۸ ج) تدارک اسباب بازی برای مهمانی
- ۱۶۹ د) همبازی شدن
- ۱۶۹ ۸. آزادی در خوردن
- ۱۶۹ الف) مدیریت ذائقه کودک
- ۱۷۸ ب) توجه به گزاره‌های تصویری
- ۱۸۰ ج) بسته بندی‌ها
- ۱۸۰ د) بازی با خوراکی
- ۱۸۱ ه) همراه داشتن این خوراکی‌ها در بیرون از خانه
- ۱۸۱ و) آشنایی با ضررها و فایده‌ها با گزاره‌های توصیفی
- ۱۸۳ ز) استفاده از رابطه محبت آمیز
- ۱۸۴ ح) فرهنگ سازی و تربیت دیگران

بخش ششم

قفق، تنه‌اراه دربند کردن پرنده نیست

- ۱۸۹ ۱. هنرمقابلیه با کار خطرناک
- ۱۹۰ الف) سیاست‌های پیشگیرانه
- ۱۹۰ یک. عدم زمینه سازی
- ۱۹۱ دو. عدم آموزش غیرمستقیم کار خطرناک
- ۱۹۱ سه. تأمین نیاز او به آزادی
- ۱۹۲ چهار. بی خطر کردن بازی خطرناک
- ۱۹۲ پنج. نظارت
- ۱۹۳ ب) دور کردن کودک از کار خطرناک
- ۱۹۳ یک. قانون تبدیل
- ۱۹۵ دو. پرهیز دادن با عطوفت
- ۱۹۵ سه. جدیت
- ۱۹۶ چهار. خشونت و تندی
- ۱۹۶ پنج. عطوفت پس از تندی
- ۱۹۷ ۲. هنرمقابلیه با کار زشت
- ۱۹۸ الف) پیدا کردن ریشه کار زشت

- ۲۰۱ ب) تغافل
- ۲۰۱ ج) انصراف ذهنی
- ۲۰۲ د) ترسیم زشتی کار در فضای قصه
- ۲۰۲ ه) استفاده از شخصیت محوری

بخش هفتم

پرنده ام تا امروز در قفس بوده !!

- ۲۰۷ پرسش اول: ما که تا به حال به کودک آزادی نداده ایم، چه کنیم؟
- ۲۰۷ الف) آزادی دادن از همین حالا
- ۲۰۸ ب) مدارا یا آثار منفی
- ۲۰۸ ج) توجه بیشتر به محبت
- ۲۰۹ د) بزرگداشت شخصیت
- ۲۱۰ پرسش دوم: آیا آزادی پس از هفت سال، ادامه دارد؟
- ۲۱۰ الف) آزادی در هر سنی، متناسب با خودش
- ۲۱۱ ب) آموزش غیرمستقیم
- ۲۱۱ ج) تحمل دخالت های افراطی
- ۲۱۳ آنچه در کتاب آمده
- ۲۲۷ آنچه در کتاب آمده
- ۲۲۸ حرف آخر
- ۲۲۹ منابع

www.ketab.ir

وقتی نیامده بودم، از خدا می‌خواستید آمدنم را. هر جا که گمان می‌کردید آسمان کمی به زمین نزدیک‌تر شده، دست‌هایتان را بلند می‌کردید تا میوه‌ای را از درخت رحمت دوست بچینید. وقتی فهمیدید قصد آمدن کرده‌ام، این که لحظه‌ها، بنای لجاجت با دلتان را گذاشته باشند، هرثانیه، ساعت‌ها طول می‌کشید برایتان. هر چه به آمدنم نزدیک‌تر می‌شد، حوصله‌ لحظه‌ها را بیشتر می‌شد. صدای قلبم را که از پشت دیوار خانه مادری‌ام می‌شنیدید، قلبتان از هیجان، تندتر می‌زد، روی لب‌تان، شبنم خنده می‌نشست و دلتان، آرام می‌گرفت. تکان که می‌خوردم، جان می‌گرفتید. از حرکت که باز می‌ایستادم، نفستان به شماره می‌افتاد. سفرم برای شما طولانی بود. روز آمدنم که رسید، چشم‌هایتان، تاب‌پلک زدن را هم از دست داده بود. لب‌هایتان، رنگ ذکر گرفته بود. دلتان، متصل شده بود به آسمان. حالتان، فقط حال دعا بود. صدای گریه‌ام را که شنیدید، چشمتان بارید، لب‌تان خندید. نگاهتان که به چشمانم گره خورد، چشمانتان، رو به آسمان رفت و لب‌هایتان، طاق نصرتِ شکر زدند

بالای سر من. از زیبایی ام گفتید و از نمکین بودنم. به دستان کوچکم نگاه کردید و از لب‌های شکرینم، قند در دلتان آب شد. چشمانم را که باز می‌کردم، لحظه‌ای چشمانتان را نمی‌بستید، از بس که برق نگاهم دلتان را می‌رُبود. برای در آغوش گرفتنم، صف می‌کشیدید. لب خندم، ترجمه‌ جدیدی از زندگی را برایتان به ارمغان آورده بود. اولین بار که صدای خنده‌ام در خانه‌تان پیچید، تعریف تازه‌ای از موسیقی طرب‌انگیز، در قاموس ذهنتان نقش بست. اولین قدمی را که روی پای خودم ایستادم و به پیش رفتم، آن قدر طرب‌آلود خندیدید و شاد شدید که زمین زیر پایتان رقصید.

آن‌ها همه نوید یک دنیا محبت برای من داشت. گمانم این بود شما مرا این‌قدر دوست دارید که می‌خواهید. دل من، مثل قطره باران بهاری، بی‌رنگ بود و من را با لب‌های سرخ‌شده، زلال. در باور کوچکم نمی‌گنجید که این همه شادی تا وقتی است که من، مزاحم خواسته‌های شما نباشم. وقتی کمی جان گرفتم و می‌فهمیدم در دنیای شما شادی کنم، فهمیدم شادی من تا وقتی برای شما جذاب است که سدّ راه رفاه شما نباشد. خنده من تا وقتی شیرین است که دنیای خود ساخته شما را به هم نریزد. من خودم را نهال می‌دیدم و شما را باغبان. در رویش خویش، خود را محتاج شما می‌دانستم؛ اما چه لب‌خندها که روی لبم نخشکید و چه چشمه‌ها که در درونم از جوشش نیفتاد!

خدای مهربان، مرا آزاد آفرید و آزادی را راه رشد من قرار داد؛ اما خانه، قفسم شد تا اندازه‌ای که نفسم بند آمد از این همه دل‌تنگی. یاد خانه مادری ام افتادم که چه قدر در آن، آرام بودم و

آزاد. تکان که می خوردم، نفسی راحت می کشیدید؛ اما در این خانه تکان که می خورم، فریاد می کشید. در خانه مادری ام، از حرکت که باز می ایستادم، دست به دعا می شدید، در این خانه، آرام که می نشینم، خدا را شکر می کنید.

بماند قصه من؛ اما کاش می شد برگردم به خانه مادری ام! یا نه، کاش دیوارهای سنگی این خانه، مثل دیوارهای خانه مادری ام با من مهربان بودند!

پدر و مادر عزیزم! دوستان دارم؛ برای خودتان. کاش دوستم بدارید؛ برای خودم!



آنچه پیش رو دارید یک مجموعۀ از مجموعۀ من دیگرما است. پیش از آن که با جملات و عبارات بی ادب، دست دوستی بدهید، بگذارید نگاهی گذرا به مطالب کتاب های پیش رو بپردازیم.

در کتاب اول این مجموعه، درباره مشکلات پیش رو تربیت در دنیای امروز، مبانی تربیت دینی و «گزاره های تربیتی» سخن گفتیم.

گزاره های تربیتی را هم این گونه تعریف کردیم: «گفتار، رفتار یا حالتی که دارای یک پیام تربیتی است؛ خواه مثبت و خواه منفی».

اولین دسته از گزاره های تربیتی، یعنی «گزاره های تصویری» را در

همان کتاب اول، بررسی کردیم. مقصودمان از گزاره های تصویری را

هم این گونه شرح دادیم: «مرئی در برقراری ارتباط با محیط اطراف

خویش، رفتارهایی را انجام می دهد که مخاطب، تماشاچی آن

است و تصویربرداری می کند. به این رفتارها، گزاره های تصویری

می گوییم. در این گزاره ها، مرئی به صورت مستقیم با مخاطب در

ارتباط نیست و مخاطب، تنها بیننده رفتار اوست. ما سخنانی را هم که والدین می‌گویند، از همین دسته می‌دانیم.»

گزاره‌های تصویری، از مهم‌ترین گزاره‌های تربیتی است که ما در باره ویژگی‌های آن، به تفصیل سخن گفتیم.

در کتاب دوم، به سراغ «گزاره‌های رفتاری»، یعنی دومین دسته از گزاره‌های تربیتی رفتیم و در تعریف این دسته از گزاره‌ها گفتیم: «گزاره‌هایی هستند که مخاطب از نوع رفتار مربی با خودش دریافت می‌کند». این گزاره‌ها هم نوعی گزاره تصویری‌اند با این تفاوت که در این گزاره‌ها، مخاطب از نوع رفتار مربی با خود، تصویربرداری می‌کند؛ اما در گزاره‌های تصویری، از نوع برخورد مربی با دیگران، تصویربرداری می‌شود.

از آنجایی که همه رفتارهای ما با فرزندانمان می‌تواند در بر دارنده دو پیام «محبت» و «احترام» باشد، ما بررسی گزاره‌های تصویری را با محوریت این دو پیام آغاز کردیم و در ابتدا به سراغ محبت رفتیم.

در آغاز، از ضرورت محبت، سخن گفتیم که یک نیاز فطری است. پس از آن هم به سراغ آثار محبت رفتیم و در باره پنج اثر مهم محبت نوشتیم:

۱. همسان سازی؛
۲. ایجاد روحیه تبعیت؛
۳. بالا رفتن آستانه تحمل و کم شدن توقع؛
۴. پیشگیری از انحراف؛
۵. آموزش محبت‌ورزی.

یک سؤال مهم: چرا با وجود این همه آثار خوبِ محبت، برخی از پدران و مادران، از محبت کردن، غفلت می‌کنند؟ در بخش بعدی هم به سراغ پاسخ این پرسش رفته، هشت عامل اساسی را بررسی کردیم:

۱. فرعی دانستنِ نیاز به محبت؛

۲. تفسیر نادرست از محبت افراطی؛

۳. برداشت غلط از میزان محبت به فرزند؛

۴. مشغله‌های فراوان؛

۵. تربیت خانوادگی؛

۶. مقایسهٔ دورانِ کودکی خود با فرزند؛

۷. مانع دانستنِ فرزند در مسیر پیش‌رفت؛

۸. ناامیدی از اثربخشی محبت.

چراگاهی محبت می‌کنیم؛ اما چرا در فرزند خود نمی‌بینیم؟ بخش بعدی، عهده‌دار پاسخ به این پرسش و دلایل اساسی برای این پرسش، پشت هم صف کشیدند:

۱. استفادهٔ انحصاری از یک راه ابراز محبت؛

۲. غفلت از مکمل محبت که احترام است؛

۳. عدم انتقال پیام محبت؛

۴. سوء استفادهٔ والدین از محبت؛

۵. عقب ماندن از رقبای تربیتی؛

۶. بسنده کردن به محبت‌های عادی.

در پایان هم اصلی‌ترین بحث، یعنی «شیوه‌های ابراز محبت» را بیان کردیم. این شیوه‌ها در سه دستهٔ گفتاری، رفتاری و نوشتاری بررسی شد. در این بخش، روی محبت رفتاری توقف بیشتری

داشتیم و این کارها را با عنوان رفتارهایی برشمردیم که پیام محبت را به فرزند، منتقل می‌کنند و عبارت‌اند از: خوش‌رویی، خوش‌زبانی، خوب صدا زدن، بوسیدن، نوازش، دست دادن، تواضع، صداقت، دادن هدیه، آزادی و بازی کردن.

از آن جا که بحث آزادی و بازی، از اصلی‌ترین و مهم‌ترین راه‌های ابراز محبت است و حدّ و حدود آن هم کم‌تریان شده، ما کتاب سوم را به بحث در باره آزادی و حدّ و حدود آن، اختصاص داده‌ایم. تا کسی از «خود» خویش فاصله نگیرد، به خدای خویش نزدیک نخواهد شد و تربیت فرزند، یکی از بهترین عرصه‌ها برای دور کردن از منیت‌ها و خودخواهی‌هاست.

بسیاری از خواسته‌های کودک با تمایلات ما بزرگ‌ترها متفاوت است. بجز تمایلات خواسته‌ها، باقی خواسته‌های کودک، زیاده‌خواهی نیست؛ نیاز است که خدا در وجود او قرار داده است. در خانه‌ای که کودکی به هم‌امان و مادرش زندگی می‌کند، همیشه میان خواسته‌های والدین و کودک، جنگی برپاست. در این میان برای آن که خانه، روی صلح را ببیند، یکی باید به نفع دیگری خواسته‌های خود را محدود کند. به نظر شما، چه کسی در این میان باید از خواسته‌های خود عبور کند؟ بدون تردید، این والدین هستند که باید پا روی خواسته‌های خود بگذارند و به نیازهای کودک، توجه کنند. ارمغان این کار برای کودک، «آزادی» است و ارمغان این آزادی برای ما، آزاد شدن از خودخواهی‌ها و منیت‌هایمان است.

ما در این کتاب، در باره آزادی و نقش آن در ابراز محبت، آثار آزادی، نتایج محدودیت‌های بی‌جا، دلایل آزاد نگذاشتن فرزندان

به وسیله والدین، هنر آزاد گذاشتن کودکان و هنر محدود کردن آزادی با شما سخن گفته‌ایم.

ضمیمه ادبی این کتاب «خوش به حال بچه‌هایی که اسیر تو می‌شوند!» نام دارد. به نظر می‌رسد مطالعه این ضمیمه پس از پایان این کتاب، حال و هوای خاصی به شما بدهد. در این جا بر خود لازم می‌دانیم از همه کسانی که با پیام‌های خودشان، انگیزه‌های ما را در ادامه راه، دوچندان کرده‌اند، تشکر کنیم.

راه ارتباطی شما با ما سامانه پیامکی ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰ است. در پیامک‌های خود، رآئی که مطالعه کتاب‌ها در تربیت فرزندان داشته، با ما سخن بگوئید. انتقادهای و پیشنهادهای خود و پرسش‌هایی که در زمینه تربیت فرزند دارید، در کامل تر شدن این مجموعه به ما کمک کنید. منتظر پیامک‌های شما هستیم. برای دریافت اخبار مربوط به کتاب‌های بعدی نیز می‌توانید به پایگاه اطلاع‌رسانی www.abbasivaladi.ir مراجعه کنید.

امید است در این مجموعه، توانسته باشیم به مدد معارف ناب دینی، قدمی هر چند کوچک در راه تربیت فرزندانمان برداریم. این کتاب را از زیر قرآن، رد می‌کنم و یک «آیه الکرسی»، بدرقه راهش نموده، راهی خانه‌هاتان می‌کنم، به این امید که نویدبخش آزادی برای کودکانتان باشد.

قم، شهر بانوی کرامت
زمستان ۱۳۹۵
محسن عباسی ولدی